



The Iranian Association of
Medical Law



The Bioethics and Health
Law Institute

Study on the Right to Free Access to the Internet in the Cyberspace Protection Plan

Zeynab Mansourinia^{1*} , Mohammad Hossein Jafari¹

1. Department Law, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: In Iran, as a country with a high rate of young, educated population, people demand free access to any type of technology for entertainment and social relations. In the era of information technology, considering the threats, protecting the privacy of citizens and users of cyberspace has been one of the main concerns of legislators. One of the citizenship rights that should be taken into account is the right to free access to information. Our goal in this article is to study the right to free access to information in the cyberspace protection plan.

Method: The present study is descriptive- analytical. The materials and data are qualitative and index cards were used in collecting materials and data.

Ethical Considerations: This Article has completely adhered to the Moral Principles Honesty, Respect for Rights and Confidentiality- and the Principle of Material-Intellectual Property.

Results: The findings indicate that the right to free access to information is considered one of the most important elements of freedom of expression and an important citizenship rights, this right has broad dimensions; because the realization of the slogan of democracy without guaranteeing the right to access information cannot guarantee a glory future for citizens. The right to access the Internet is one of the natural rights of all human beings that considered as imperative rules, so all human beings should have access to the Internet regard to exercise the freedom of expression and accessing fundamental human rights and governments are bind to ensuring this right. It has been addressed in international law as well as in domestic instruments such as the Constitution and ordinary laws and the Charter on Citizens' Rights.

Conclusion: It is clear that by appropriate utilizing the information technology platform and cyberspace, the country's development train can be driven towards success and improvement and to achieve this, we must first lay the cornerstone of this building properly so that we can witness the increasing successes of our country in various fields. The vital requirement of this movement is the appropriate utilization of this space by establishing adequate laws and regulations prepared by experts in this field.

Keywords: Right; Right of Access; Cyberspace; Information; Internet

Corresponding Author: Zeynab Mansourinia; **Email:** @zeynab.mansourinia@gmail.com

Received: March 12, 2024; **Accepted:** August 28, 2024; **Published Online:** June 08, 2025

Please cite this article as:

Mansourinia M, Jafari MH. Study on the Right to Free Access to the Internet in the Cyberspace Protection Plan. Medical Law Journal. 2022; 16(Special Issue on Legal Developments): e67.



مجله حقوق پزشکی

دوره شانزدهم، ویژه نامه تحولات حقوقی، ۱۴۰۱

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>

بررسی حق دسترسی آزاد به اینترنت در طرح صیانت از فضای مجازی

زینب منصوری نیا^{۱*}، محمدحسین جعفری^۱

۱. گروه حقوق، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: در ایران به عنوان یک کشور با نرخ بالای جمعیت جوان تحصیل کرده، مردم خواستار دسترسی آزاد به هر نوع فناوری برای سرگرمی و روابط اجتماعی هستند. در عصر فناوری اطلاعات با توجه به تهدیدها، حفاظت از حریم خصوصی شهروندان و کاربران فضای مجازی یکی از دغدغه‌های اصلی قانونگذاران بوده و هست. یکی از حقوق شهروندی که باید مورد توجه قرار گیرد، حق دسترسی آزاد به اطلاعات می‌باشد که هدف ما در این مقاله بررسی حق دسترسی آزاد به اطلاعات در طرح صیانت از فضای مجازی می‌باشد.

روش: مطالعه حاضر توصیفی - تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در انجام تحقیقات ضمن رعایت امانتداری تمامی موازین اخلاقی پژوهش رعایت گردیده است.

یافته‌ها: یافته‌ها حاکی از این است که حق آزادی دسترسی به اطلاعات به عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر آزادی بیان، از جمله حقوق مهم شهروندی محسوب می‌شود که این حق دارای ابعاد گسترده‌ای می‌باشد، چراکه تحقق شعار مردم‌سالاری بدون تضمین حق دسترسی به اطلاعات نمی‌تواند متضمن آینده‌ای روشن برای شهروندان باشد. حق دسترسی به اینترنت یکی از حقوق طبیعی آحاد بشر مشمول قواعد امری است که بر اساس آن همه انسان‌ها باید بتوانند با هدف استفاده از آزادی بیان و دسترسی به حقوق اساسی بشر به اینترنت دسترسی داشته باشند و دولت‌ها متعهد به تأمین این حق هستند. در حقوق بین‌الملل و همچنین در اسناد داخلی مانند قانون اساسی و قوانین عادی و منشور حقوق شهروندی به آن پرداخته شده است.

نتیجه‌گیری: پرواضح است که با بهره‌گیری مناسب از بستر فناوری اطلاعات و فضای مجازی می‌توان قطار توسعه کشور را به سمت موفقیت و تعالی سوق داد و برای تحقق این مهم، باید ابتدا سنگ زیرین این بنا را درست بنیان نهاد تا شاهد موفقیت‌های روزافزون کشورمان در عرصه‌های گوناگون باشیم. لازمه حیاتی این حرکت بهره‌مندی مناسب از این فضا با وضع قوانین شایسته و کارشناسی شده توسط خبرگان این عرصه می‌باشد.

واژگان کلیدی: حق؛ حق دسترسی؛ فضای مجازی؛ اطلاعات؛ اینترنت

نویسنده مسئول: زینب منصوری نیا؛ پست الکترونیک: zeynab.mansourinia@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۱۵؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۳/۱۸

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Mansourinia M, Jafari MH. Study on the Right to Free Access to the Internet in the Cyberspace Protection Plan. Medical Law Journal. 2022; 16(Special Issue on Legal Developments): e67.

مقدمه

از منظر حقوق، مفهوم شهروند و شهروندی دلالت بر مجموعه‌ای از حقوق و مسئولیت‌ها است. در این معنا، شهروندی «به عنوان مجموعه‌ای از حقوق، شامل مشارکت سیاسی در زندگی جامعه، حق رأی و حق دریافت حمایت معین از جامعه و همچنین وظایف و تعهدات توصیف می‌شود. همین امر در مورد شهروند و شهروندی در جامعه الکترونیکی یا سایبری نیز صادق است. هر شهروند دنیای سایبری باید از حقوق احترام و حمایت‌های قانونی که از قبل برای شهروندان واقعی در نظر گرفته شده است، برخوردار باشد. مسلم است که در هر جامعه‌ای، نظام اجتماعی باید از طرق مختلف آگاهی‌های لازم را در زمینه حقوق شهروندی برای افراد جامعه ایجاد نماید. از این رو شاهد آن هستیم که رسانه‌ها، در مسیر آگاهی‌بخشی و آموزش‌ها کارآمد و اثربخش ظاهر شده‌اند تا جایی که حتی از آموزش و پرورش نیز بهتر عمل می‌کنند. به ویژه در سال‌های اخیر که نقش رسانه‌های جمعی در آگاهی از حقوق شهروندی مورد توجه و تأکید ویژه‌ای قرار گرفته است. گستره مهارت‌های شهروندی، رفتارهای مدنی و مشارکت اجتماعی در جوامع توسعه‌یافته و در حال توسعه یکی از حوزه‌هایی است که به شدت تحت تأثیر آگاهی‌ها و آموزش‌ها و بازنمایی‌های رسانه‌ای قرار دارد است (۱). «حق دسترسی آزاد به فضای مجازی» به عنوان یکی از مصادیق وسائل ارتباط جمعی در اصول متعدد قانون اساسی و منشور حقوق شهروندی وجود دارد. حق دسترسی به اینترنت که با نام‌های مختلف حق پهنای باند یا آزادی اتصال نیز شناخته می‌شود، در زمره حقوق طبیعی آحاد بشر به شمار می‌رود و مشمول قواعد امری است که وفق آن برای تمامی افراد باید این امکان میسر باشد تا با دسترسی به فضای مجازی از آزادی بیان به عنوان یکی از حقوق اساسی بشری بهره‌مند گردند، باید این نکته را مد نظر داشت که دولت‌ها متعهد به تأمین این حق هستند.

حق دسترسی به اینترنت در حقوق داخلی ما حقی نوظهور است که وضعیت آن از نظر معنا، مفهوم، ماهیت و مصداق

چندان واضح و روشن نیست. تنها سندی که به حق دسترسی به اینترنت و به طبع آن فضای مجازی تصریح دارد، منشور حقوق شهروندی است، البته باید این نکته را نیز مد نظر داشت که حق آگاهی یا همان حق آزادی دسترسی به اطلاعات به عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر آزادی بیان، از جمله حقوق مهم شهروندی محسوب می‌شود که این حق دارای ابعاد گسترده‌ای می‌باشد، چراکه تحقق شعار مردم‌سالاری بدون تضمین حق آگاهی نمی‌تواند متضمن آینده‌ای روشن برای شهروندان باشد. امروزه آزادی اطلاعات و نتیجه آن حق دسترسی به اطلاعات، در زمره یکی از حقوق بنیادین بشر شمرده می‌شود، از این رو تضمین آزادی بیان و حق دسترسی آزاد به اطلاعات در اسناد بین‌المللی حقوق بشری مورد تصریح قرار گرفته است.

با توجه به مطالب ذکرشده هدف ما در این مقاله بررسی و مطالعه حق دسترسی آزاد به اینترنت می‌باشد که درصدد پاسخ به این سؤال هستیم که آیا محدودنمودن دسترسی به امکانات فناوری نقض حقوق بشر محسوب می‌شود یا خیر؟ آیا استفاده از فناوری بدون محدودیت و قوانین مورد نیاز منجر به افزایش جرائم مدرن می‌شود یا خیر؟ در این راستا ابتدا به بررسی مفهوم طرح صیانت از فضای مجازی می‌پردازیم و بعد از آن به بررسی حق دسترسی آزاد به اینترنت به عنوان یکی از حقوق شهروندی خواهیم پرداخت.

روش

مطالعه حاضر توصیفی - تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

یافته‌ها

یافته‌ها حاکی از این است که حق آزادی دسترسی به اطلاعات به عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر آزادی بیان، از جمله حقوق مهم شهروندی محسوب می‌شود که این حق دارای ابعاد گسترده‌ای می‌باشد، چراکه تحقق شعار مردم‌سالاری بدون

بررسی قرار گیرد و از اعمال هرگونه وضع قانون و سیاستگذاری بدون مد نظر قرارداد این مبانی، حذر نمود. موضوعی که پژوهشگران و سیاستگذاران داخلی به آن نگاه شایسته و بایسته‌ای نداشته‌اند و همین امر نیز، یکی دیگر از دلایل ناکارآمدی فعالیت‌ها و قوانین موضوعه در این حوزه گردیده است.

اما طرح «قانون حمایت از حقوق کاربران و خدمات پایه کاربردی فضای مجازی» تدوین آن پیش از انتخابات ریاست جمهوری سیزدهم آغاز شد و با عنوان طرح «صیانت از حقوق کاربران در فضای مجازی و ساماندهی پیام‌رسان‌های اجتماعی» توسط کمیسیون فرهنگی مجلس تدوین و منتشر گردید. بر اساس ماده ۱ این طرح همه پیام‌رسان‌های داخلی و خارجی باید مجوز فعالیت در ایران دریافت کنند و متعهد به رعایت تکالیف و الزامات شوند. سرویس‌دهندگانی که به این الزامات تن ندهند، طبق ماده ۲۷ این طرح فیلتر و مسدود می‌شوند. در میان هیاهوی رسانه‌ای و البته فضا سازی برخی از جریان‌های سیاسی داخلی، موجب نگرانی افکار عمومی در زمینه آینده فضای مجازی و پلتفرم‌هایی که به نوعی زندگی مردم به آن‌ها گره خورده است، شد، به نحوی که با هجمه به مجلس یازدهم عنوان گردید کلیه سرویس‌هایی که هم اکنون کاربران از آن استفاده می‌کنند، مثل اینستاگرام و واتس‌آپ و گوگل مسدود و فیلتر می‌شود و یک سال بعد دیگر خبری از اینترنتی که هم‌اکنون می‌شناسیم نیست! حتی خیلی از کاربران که از راه فروشگاه‌های اینترنتی و یا صفحات اینستاگرامی کسب و کاری برای خود به راه انداخته‌اند و کسب درآمد می‌کنند نگرانند که با تصویب طرح صیانت از حقوق کاربران کسب و کارشان را از دست بدهند.

۲. مبانی حقوقی طرح صیانت از فضای مجازی: با عنایت به اینکه طرح صیانت از فضای مجازی، یک طرح بومی‌سازی شده و داخلی می‌باشد؛ در خصوص مبانی حقوقی طرح صیانت از فضای مجازی می‌توان به مبانی آزادی اطلاعات، مبانی شهروندی و تئوری‌ها و گفتمان‌های حقوقی پیرامون آن اشاره نمود که در ذیل به آن پرداخته می‌شود.

تضمین حق دسترسی به اطلاعات نمی‌تواند متضمن آینده‌ای روشن برای شهروندان باشد. حق دسترسی به اینترنت یکی از حقوق طبیعی آحاد بشر مشمول قواعد امری است که بر اساس آن همه انسان‌ها باید بتوانند با هدف استفاده از آزادی بیان و دسترسی به حقوق اساسی بشر به اینترنت دسترسی داشته باشند و دولت‌ها متعهد به تأمین این حق هستند. در حقوق بین‌الملل و همچنین در اسناد داخلی مانند قانون اساسی و قوانین عادی و منشور حقوق شهروندی به آن پرداخته شده است.

بحث

۱. مفهوم صیانت از فضای مجازی: کلیاتی که از طرح صیانت از فضای مجازی منتشر شده است، نشان می‌دهد که قرار است در آن اصل چگونگی بهره‌برداری از فضای مجازی و حدود آن مشخص گردد که در چنین طرحی و با چنین کلیتی آنچه که اهمیت بسیاری دارد و باید حتماً رعایت شود، حفاظت و حراست از حقوق مردم در زمینه کسب اطلاعات از امور کشور است. در قانون اساسی هم تصریح شده که مردم حق دسترسی آزادانه به اطلاعات دارند و باید از امور کشور آگاه باشند. پس در اجرای این طرح نباید به شکلی عمل شود که آزادی‌ها و حقوق مسلم و قانونی مردم زیر سؤال برود یا نقض شود. در عین حال می‌توان برنامه‌ریزی‌های لازم برای حفاظت از نسل جوان در مواجهه با فضای مجازی را هم انجام داد.

حفاظت از بهداشت روانی و ذهنی جوانان در شیوه بهره‌مندی از فضای مجازی می‌تواند به نفع مردم و جامعه هم باشد، اما باید این مهم را مد نظر قرار دهیم که در این مسیر قرار نیست حق دسترسی مردم به اطلاعات محدود گردد یا آزادی رسانه‌ها و اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی را کاهش باید، بلکه اصل اساسی در پیشبرد چنین طرحی باید حفظ تمام و کمال حقوق مصرح مردم باشد (۲).

بنابراین در راستای اصلاح روند موجود، بایسته‌ها و موانع تحقق این آزادی و ابزار حمایتی آن باید به نحو دقیقی مورد

۱-۲. مبانی آزادی اطلاعات و طرح صیانت از فضای

مجازی: مبانی متعددی برای آزادی اطلاعات بیان شده است، از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱-۱-۲. مبانی سیاسی و حق تعیین سرنوشت: مهم‌ترین مبانی آزادی اطلاعات مربوط به «قرارداد اجتماعی» است. مفهوم «قرارداد اجتماعی»، بر یک فرضیه یا شرط اولیه و واحد استوار است: خواست و اراده انسان‌ها به منظور پایان‌بخشیدن به ناامنی و منازعات میان خود که «وضع طبیعی» نامیده می‌شود. تشکیل جامعه سیاسی، جامعه مدنی و دولت، پاسخی است که انسان‌ها برای خروج از این اوضاع نابسامان یافته‌اند (۳).

۲-۱-۲. حاکمیت مردم: از منظر حقوق بشر معاصر، حتی پشتوانه اعتبار قوانین نیز دموکراتیک‌بودن نظام حکومتی است. حکومت‌های غیر انتخابی از منظر حقوق بشری، واجد هیچ‌گونه مبنا و اساس مشروعیت‌بخش اخلاقی نیستند، چه اینکه بنیادی‌ترین حق انسانی، پس از حق حیات که همانا حق تعیین سرنوشت را نادیده گرفته‌اند. بنابراین آزادی اطلاعات، منجر به نوعی پاسخگویی عمومی با هدف اثبات حاکمیت مردم می‌شود. همچنین اصولاً داوری در مورد اعمال و کارکردهای دولت و مقامات دولتی، از طریق و مجرای اطلاعات گذر می‌کند (۴).

۳-۱-۲. پاسخگویی مقامات عمومی: در پاسخگویی نخست، مقامات و مدیران دولتی، معمولاً اطلاعات را ارائه می‌کنند که در تمجید عملکرد آن‌ها است، اما در پاسخگویی اجباری، سازمان‌ها و نهادها باید به پرسش‌هایی پاسخ دهند که در اذهان عمومی مطرح است و ممکن است مدیران سازمان‌ها به افشا و انتشار این اطلاعات تمایلی نداشته باشند (۵). بنابراین حق بر دانستن به نحو لاینفکی با پاسخگویی، یعنی هدف اصلی تمام نظام‌های دموکراتیک پیوند خورده است.

د: اصل شفافیت: مهم‌ترین و عقلایی‌ترین دلیل برای شفافیت آن است که مشارکت فعال شهروندان را در امور سیاسی و اجتماع تقویت می‌کند (۶). در همین ارتباط، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد طی قطعنامه‌ای ویژگی‌های اساسی

یک حکمرانی خوب را شفافیت، مسئولیت، پاسخگویی، مشارکت، حاکمیت قانون و انعطاف‌پذیری می‌داند (۷).

۲-۲. مبانی شهروندی: در اصطلاح «شهروند» عضو جامعه‌ای سیاسی است که دارای حقوق و وظایف مرتبط با این عضویت است. شهروندی در واقع از وجود رابطه و پیوند متقابل فرد و جامعه سیاسی حکایت دارد و هویتی جدید به نام هویت شهروندی به فرد می‌بخشد که خارج از هویت فردی، خاندانی، قومی، تباری و شغلی است.

پس در واقع شهروندی به وضع رابطه موجود میان یک شخص و دولت گفته می‌شود که بر اساس آن اولی ملزم به وفاداری و دومی موظف به حمایت است. «حقوق شهروندی» مجموعه امتیازات و اختیاراتی است که ناشی از موقعیت و حالتی است که بر عضویت یک فرد در جامعه سیاسی دلالت می‌کند (۸).

قوانین مربوط به شهروندی یا تابعیت، از دو اصل رقیب سرچشمه می‌گیرند که عبارت‌اند از: «اصل خون» که بر پایه تبار ملی کشور مورد نظر استوار است و اصل «خاک» که بر پایه اساس تولد در قلمرو سرزمینی یک کشور بنیان می‌یابد (۹). از این رو برای نمونه به یک شهروند فرانسه، در نتیجه: ۱- تابعیت؛ ۲- توانایی یاری‌جستن از قوانین فرانسه، جایگاه سیاسی ویژه‌ای (شهروندی) بخشیده می‌شود، اما اینکه آیا داشتن حقوق معین خود تعهداتی نیز در پی دارد یا نه، روشن نیست هواداران آزادی باوری، برای نمونه، البته می‌توانند در چنین دیدگاهی مناقشه کنند، چراکه حقوق فردی را موضوعی بنیادین در کنار مسأله آزادی سیاسی می‌دانند.

طرح این سؤال که چه کسی می‌تواند شهروند شود؟ به این معنی است که چه کسی نمی‌تواند جزء شهروندان محسوب شود؟ در تمامی کشورها صرف نظر از اینکه قوانین مهاجرت آن‌ها تا چه اندازه آزاد منشانه باشد، کنترل و محدودیت‌هایی برای ورود و اقامت خارجی‌ان اعمال می‌کنند، پس می‌بینیم که شهروندی رابطه تنگاتنگی با ملیت دارد و در قوانین بین‌الملل در حقیقت، این دو عبارت غالباً برابر و به یک معنا به کار می‌روند و تاریخ نشان می‌دهد که به همین علت شهروندی در طول ادوار دچار محدودیت‌هایی بوده است. همچنین عواملی

خودکامه پدید آمد. مهم‌ترین مفهوم نظری اندیشه لیبرالیسم قرارداد اجتماعی است که بر طبق آن، حکومت را برای تأمین نظم و امنیت و تحصیل آسان‌تر حقوق خود ایجاد می‌کنند و به طور خلاصه مهم‌ترین اصول لیبرالیسم در مفهوم وسیع آن را می‌توان در اعتقاد به ارزش برابر همه انسان‌ها، استقلال، اراده فرد، عقلانیت و نیک‌نهادی انسان، حقوق طبیعی و سلب نشدنی، وضعی بودن نهاد دولت و محدودیت قدرت حکومت به قانون یافت (۱۲).

در مکتب لیبرالیسم، اصالت با فرد است، پس فرد موجودی عقلانی و آزاد در انتخاب شیوه زندگی خود به شمار می‌رود و دولت نیز در این میان نقش بی‌طرف دارد. بنابراین شهروندی در این مکتب بر مبنای حقوق است، لذا شهروندی بایستی خواسته شود به دست آید و حفظ گردد.

سنت لیبرال که به وسیله هابز (Hobbs) بنا شد، به وسیله لاک (Locke) توسعه یافت. او ایده رابطه مستقیم مساوات‌گرایانه فرد با دولت را برای ایجاد یک نظریه شهروندی حقوق‌محور مطرح نمود. نظریه لاک این هدف را دنبال می‌کرد که توازنی میان دغدغه‌هایزی (Hobbes) امنیت و حفاظت از حقوق حیات، آزادی و مالکیت که به نظر اکثر لیبرال‌ها مبنای تحقق نفع شخصی هستند، برقرار کند (۱۰).

لیبرال‌ها شهروندی را بخشی از یک فرایند تکاملی به سمت یک جامعه عقلانی‌تر، عادلانه‌تر و برخوردار از ادامه بهتر تلقی می‌کنند. لیبرالیسم خواهان تأمین و رعایت حقوق برابر برای همه شهروندان قطع نظر از مذهب، قومیت، نژاد، طبقه، جنسیت و... بوده است.

حقوق اساسی شهروندان از دیدگاه لیبرالیسم عبارتند از: آزادی عقیده و اندیشه، آزادی بیان، آزادی اجتماع، آزادی یا حق مالکیت آزادی مشارکت در حیات سیاسی اعم از رأی‌دادن و کسب منصب و... . بنابراین لیبرالیسم اساساً یک نظریه کمال‌گرا (Perfectionist) است و بر توانایی ما به عنوان انسان در ایجاد و بهبود نظام‌های اداره‌ی امورمان تأکید می‌کند (۱۰).

که تعریف شهروندی را تشکیل می‌دهند، به مسائلی چون منافع شخصی، قدرت و برخورد تضاد منافع، پیوند خورده‌اند. برای مثال، حقوق شهروندان به خصوص در فضای مجازی رابطه نزدیک و محکمی با اولویت‌ها و واکنش‌های غیر منطقی بازار و نظام حکومتی دارد، بحران‌های اقتصادی می‌توانند باعث شوند که تحت تأثیر رقابت صنعتی، برخی از حقوق اجتماعی شهروندان از آنان گرفته شود جنگ میان کشورها می‌تواند به طور فاحشی مفهوم شهروندی را تغییر دهد (۱۰). به طور کلی در دوران مدرنیته، شهروندی مفهوم گنگ و مبهمی دارد.

از یکسو لیبرالیسم که ایدئولوژی حاکم بر شهروندی است، روی ماهیت اساساً برابرگرا و جهان‌شمول شهروندی تأکید می‌کند و در فضای مجازی به این مهم بیشتر توجه شده است و از سوی دیگر از قرن هجدهم به بعد، شهروندی پیوند محکمی با نهاد دولت - ملت پیدا کرده است و لذا در عمل «ابزار قدرتمندی برای کفایت مذاکرات اجتماعی» بوده است (۱۰).

روابط اکولوژیکی انسان با مکان و فضا مبنای فلسفی قدرتمندی برای پدیدارشدن سلسله‌ای از حقوق تابعیت، شهروندی و نقش‌آفرینی سیاسی انسان در یک فرآیند دموکراتیک است. در منطق جغرافیای سیاسی دموکراسی و نقش‌آفرینی سیاسی انسان‌ها در مکان و فضا و شکل‌دادن به ساختارها و نظام‌های سیاسی و فرآیندهای مربوطه، یک حق طبیعی است که مبتنی بر الگوی روابط اکولوژیکی انسان در مکان و فضای جغرافیایی است که انسان ساکن یا مقیم در آن از آن برخوردار است (۱۱).

۲-۳. تئوری‌ها و گفتمان‌های حقوق شهروندی: در تئوری‌ها و گفتمان‌های حقوق شهروندی به بررسی الگوی شهروندی فردگرایی لیبرال، الگوی شهروندی اجتماع‌گرا، الگوی شهروندی جمهوری‌گرایی خواهیم پرداخت.

۲-۳-۱. الگوی شهروندی فردگرایی لیبرال: مفهوم اصلی لیبرالیسم، آزادی شهروندان در سایه حکومت محدود به قانون است. از نظر تاریخی، لیبرالیسم به معنای وسیع آن نخست در مقابل سلطه مذهبی و سپس در برابر سلطه سیاسی حکام

در حوزه سیاسی نیز شهروندان دارای حقوق شهروندی‌اند و منافع فردی‌شان را تعقیب می‌کنند و یکی از برجسته‌ترین حقوق شهروندی، حق مشارکت سیاسی در زندگی اجتماعی است. نقطه اتکای فلسفی - اخلاقی رویکرد فردگرایانه لیبرال این است که انسان‌ها کارگزاران اخلاقی مسئول و خودمختاری هستند که هدفشان تأمین زندگی خوب است و نظام سیاسی، آزادی‌های فردی شهروندی را که برای تحقق این زندگی لازم است، تضمین می‌کند. برجسته‌ترین منتقد لیبرالیسم گفتمان «اجتماع‌گرایان» هستند (۱۳).

۲-۳-۲. الگوی شهروندی اجتماع‌گرا: مکتب اجتماع‌گرایی با ارجاع به فضیلت‌گرایی دوران کلاسیک و بازسازی الگوی نو فضیلت‌گرایی سیاسی، به واقع در برابر آموزه لیبرالیسم و به طور خاص لیبرالیسم راولزی (John Rawls) صف‌آرایی کرده است.

مهم‌ترین اندیشمندان این مکتب، افرادی چون اسدیر مک‌این‌تایر (Alasdair Mac Intyre)، مایکل ساندل (Michael Sandel)، چارلز تیلور (Charles Taylor) و تا حدی مایکل والزر (Michael Walzer) هستند. در این دیدگاه، هویت انسان در قالب جماعات و به شکل هویت اجتماعی تصور می‌شود. این امر به نوبه خود تضمین‌کننده آزادی فردی و مسئولیت جمعی است و این مکتب اندیشه لیبرالی را به دلیل کوتاهی در ارج نهادن به اهمیت جماعت‌ها و گروه‌ها مورد انتقاد قرار می‌دهد. شهروندی مطلوب این نوع دیدگاه، شهروندی همگون‌گرای فرهنگی است. این دیدگاه بیان می‌دارد که اگر شهروندی را حق مشارکت در جامعه سیاسی (۱۴) تعریف نماییم، در این حالت توزیع، دارایی‌هایی چون ثروت، موفقیت و قدرت را دربر می‌گیرد و در واقع حقوق اجتماعی و توزیع دارایی‌های اجتماعی، می‌تواند جزء حقوق شهروندی به شمار آید، زیرا حقوق اجتماعی ابزاری برای تسهیل مشارکت سیاسی است و افراد با بهره‌مندی از آن توانایی و ظرفیت بیشتری را برای مشارکت فعالانه در عرصه سیاست پیدا می‌کنند.

بر اساس آموزه‌های این رویکرد، هویت افراد با ساخت‌های اجتماعی و سیاسی پیوند خورده است و شهروندی به صورت اندامواره، از درون یک جماعت رشد می‌کند، بدین‌سان شهروندی از طریق ساختی تعریف می‌شود که به افراد هویت می‌بخشد. بر اساس نگرشی اجتماع‌گرایی، شهروندی مبتنی بر مسئولیت‌ها و تعهدات و نه حقوق در نظر گرفته می‌شود. بنابراین نگرش یک آموزه مدنی بر سیاست و جامعه حاکم است که شالوده همه نهادهای جامعه است و اعمال و ارتقای شهروندی فعال از مجرای این نهادها صورت می‌گیرد. از این رو، انسانیت فرد در گرو شهروندی فعال در اداره امور جامعه دانسته شده و جماعت، بیش از فرد و لازمه آن تلقی می‌گردد، بدین‌ترتیب شهروندی یک ماهیت کل‌نگر دارد و تجاوز به آزادی تلقی نمی‌گردد (۱۰). از دید اجتماع‌گرایان، اخلاق خصوصی از اخلاق عمومی تفکیک‌ناپذیر تلقی می‌گردد، لذا تعارضی میان تعهدات شهروندی و وظایف اخلاق خصوصی وجود ندارد، بلکه در مقابل از طریق تعهد به جامعه و مشارکت اجتماعی نمایان می‌گردد.

۲-۳-۳. الگوی شهروندی جمهوری‌گرایی: این الگو ریشه در نظریات روسو (Rousseau) دارد و در قرن بیستم و تحت تأثیر اعلامیه جهانی حقوق بشر، توسط هامفری مارشال (Humphrey Marshall) نظریه‌پردازی شده است.

این گفتمان نیز با نقد گفتمان شهروندی فردگرایی لیبرال آغاز می‌شود. این نقد بیشتر متوجه پذیرفتنی نبودن سیاست‌های فردگرایانه لیبرالی است. در این زمینه بلامی (۱۹۹۳ م.) معتقد است «صورت‌های حقوق مبنایی» شهروندی اساساً منفعلانه و سیاست‌ستیز است، زیرا قادر به حمایت از افراد در برابر دولت نیست و فقط حقوق شهروندی دولت را تقویت می‌کند، لذا موجب تقویت قدرت دولت و تمرکز قدرت در دست دولت می‌شود.

به نظر اولد فیلد (Old Field) در الگوی شهروندی جمهوری‌گرایی، شهروندی فقط یک شأن حقوقی نیست، بلکه نوعی فعالیت یا اقدام نیز محسوب می‌شود، به طوری که درگیرنشدن در فعالیت‌های اجتماعی موجب «ناشهروندی»

۳. حق دسترسی آزاد به اطلاعات و اینترنت: باید در نظر داشت که حق دسترسی آزاد بشر به امکانات و پیشرفت‌های علمی روز دنیا و بهره‌مندی از آن‌ها به صورت تساوی و نقش این امکانات جدید در توسعه پایدار و پیشرفت کشورها در ابعاد مختلف علمی، بهداشتی، درمانی، اقتصادی، تولیدی و امثالهم و تأثیر بی‌بدلیل آن در روند شفاف‌سازی و جلوگیری از فسادهای مخفی موریانه‌وار بر پیکره کشور بر کسی پوشیده نیست. در واقع ارزش اینترنت در زندگی امروز بشر به مثابه اهمیت آب و آتش در زندگی انسان‌های اولیه محسوب می‌شود یا حتی شاید برتر از آن به مصداق اهمیت حیاتی «ساخت پنی‌سلین» در قرن پیش و «واکسن کرونا» در چند سال گذشته.

مانع تراشی و جلوگیری از رشد این فناوری و مقاومت در مقابل پیشرفت آن هم، هماهنگ با جهان شاید به مصداق دورشدن از قافله «جهانی‌شدن» باشد و طوفان سیل‌آسای آن باعث نابودی اقتصاد و کسب و کارهای اینترنت‌محور نوپا و دانش‌بنیان باشد. این محدودیت موجب حریص‌شدن افراد در دستیابی به آن از طرق متعدد می‌شود، کما اینکه در گذشته در خصوص ویدئو و ماهواره و امثالهم نیز این امر را ثابت کرده است. بنابراین با اقدامات جبری نمی‌توان مردم را از دسترسی به حق و حقوق فرهنگی خویش محروم نمود.

در ادامه بررسی می‌نماییم که آیا به هر حال امکان سلب این حق ذاتی افراد، از ناحیه وکلای ملت به عنوان امین مردم در مجلس شورای اسلامی ممکن است یا خیر و در صورت اجرای آن تکلیف اضرار و عقب‌ماندگی علمی و اقتصادی و امثالهم مردم بر عهده چه کسانی است.

اهمیت توجه به تأمین «حق دسترسی آزاد به اینترنت» به عنوان مصادیق وسائل ارتباط جمعی در اصول متعدد قانون اساسی و قوانین دولت الکترونیک و حقوق شهروندی، آیین دادرسی کیفری و میثاقین حقوق مدنی سیاسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر و منشور ملل متحد و آرای صادره از محاکم بین‌المللی و... پیش‌بینی شده است (۱۵).

شهروندان می‌گردند. بنابراین مهم‌ترین الزام شهروندی در این الگو، حمایت از شهروندان برای تحقق شأن شهروندی است، تأکید جمهوری‌خواهی بر عمل شهروندی، زمینه‌ساز صحبت از وظایف شهروندی می‌شود. عمل به این وظایف به جهت استقرار فرد به عنوان شهروند در میان سایر شهروندان ضرورت دارد. بنابراین تصور مذکور از شهروندی مبنی بر اجتماع است. افراد فقط به عنوان عضوی از اجتماع شهروند محسوب می‌شود. آن‌ها نیاز به توانمندسازی دارند تا به منزله شهروند قادر به عمل شوند، آنان همچنین می‌توانند استقلال و خودمختاری خود را حفظ کنند، اما فقط در صورتی که نه تنها برای خودمختاری دیگران احترام قائل شوند، بلکه مطابق با آنچه اجتماع تعریف کرده و انجام آن وظیفه‌شان است، عمل کنند.

پس پیوند اجتماعی میان شهروندان قراردادی نیست، بلکه مبتنی بر سهیم‌شدن در شیوه‌ای از زندگی و تعیین آن است. پیروان این مکتب استقرار نظام جمهوری را جز از طریق مشارکت مدنی و سیاسی شهروندان میسر نمی‌بینند. بنابراین عضویت، حقوق و وظایف و مشارکت در ارتباط با جامعه معنا می‌یابد. جمهوری‌خواهی دارای این فضیلت است که شهروندی را در قلب فلسفه خود قرار می‌دهد و در آن نه اقتصاد، بلکه سیاست عنصر اصلی قلمداد می‌شود و این الگو بیش از لیبرالیسم مایل است از شهروندان وظایف و تعهدات‌شان را خواستار شود (۱۰).

در دیدگاه جمهوری‌گرا، اندیشه آرمان‌خواهی هم در مفهوم حقوق شهروندی نهفته است و در آن چهار جزء اصلی وجود دارد:

- ۱- شهروندان از مجموعه‌ای از حقوق برابر برخوردارند؛
- ۲- همراه با این حقوق، تکلیفی نیز برای شهروندان وجود دارد؛
- ۳- شهروندی متضمن تمایل به گام‌برداشتن در جهت اجرای حقوق سایر اعضای جامعه سیاسی است؛
- ۴- این تمایل برای اجرای حقوق دیگری بر اساس توافق همگانی و آرمانی عملی می‌شود.

اعمال باشد، اعم از قواعد ملی و بین‌المللی و اعم از قواعد ناظر بر وسایل ارتباطی سنتی از راه دور (تلفن و پست) و جمعی (مطبوعات، رادیو و تلویزیون).

حق دسترسی به اینترنت، از نظر ماهیت، یک حق ساختاری است که بر تضمین اتصال به اینترنت به اشکال دلخواه افراد تمرکز دارد و نه بر پیام و محتوایی که در نتیجه ارتباط ممکن است، مبادله شود. بر این اساس، اینترنت را فناوری ارتباطی جدیدی می‌دانند که در عین تأثیرپذیرفتن از قواعد حقوقی سنتی، مستلزم شناسایی اصول و قواعد خاصی است. هدف این اصول و قواعد جدید آن است که در نتیجه منابع و قواعد حقوقی گوناگون قابل اعمال بر اینترنت، دسترسی به اینترنت لطمه نبیند. بنابراین حق دسترسی به اینترنت با محتوایی که برای آن گفته شد (حق اتصال، اصل بی‌طرفی و...) حداقل‌هایی را برای تضمین دسترسی بدون تبعیض، جهانی، امن، پایدار و ارزان به این فناوری ارتباطی مقرر می‌کند (۱۶).

برخی دولت‌ها دسترسی به اینترنت را به عنوان یکی از حقوق مبنایی یا اساسی شناخته و مشمول حمایت قانون اساسی اعلام کرده و برخی دیگر به عنوان یک حق قانونی و شهروندی از آن حمایت کرده‌اند. آفریقای جنوبی، اسپانیا، استونی، فرانسه، فنلاند، کاستاریکا، نیوزلند و یونان از این زمره‌اند، برخی از این دولت‌ها حق دسترسی به اینترنت را جزئی از حق دسترسی به اطلاعات و ارتباطات شناخته‌اند و برخی دیگر قوانین خاصی را در مورد دسترسی افراد به اینترنت وضع کرده‌اند.

استونی در زمره نخستین کشورهایی است که با وضع قوانین خاص، از جمله «قانون ارتباطات از راه دور» مصوب ۲۰۰۰ «قانون اطلاعات عمومی» مصوب ۲۰۰۰ و «قانون ارتباطات الکترونیک» مصوب ۲۰۰۴ اذعان کرده است که دولت موظف است دسترسی به اطلاعات و خدمات الکترونیک را برای همگان فراهم کند و همگان، صرف نظر از موقعیت مکانی و جغرافیایی خود، حق دسترسی به خدمات اینترنت با بهای یکسان را دارند.

مفسران این قوانین تردیدی در شناسایی دسترسی به اینترنت به عنوان یک حق بشری در این کشور ندارند. فنلاند با یک

حق دسترسی به اینترنت (Right to Internet Access) که با نام‌های مختلف حق پهنای باند (Right to Broadband) یا آزادی اتصال (Freedom to Connect) نیز معروف است، در زمره حقوق طبیعی آحاد بشر مشمول قواعد امری است که وفق آن همه انسان‌ها باید بتوانند با هدف استفاده از آزادی بیان و دسترسی به حقوق اساسی بشر به اینترنت دسترسی داشته باشند و دولت‌ها متعهد به تأمین این حق هستند. هیچ مقام و مجلسی حق ندارد بدون دلیل دسترسی فردی به اینترنت را محدود کند. معایب بالفعل یا بالقوه این فناوری هم توجیهی بر سده‌سازی آن نیست. اگر چنین باشد، پس باید کارخانه‌های ساخت چاقو، اسلحه، دارو و... نیز به خاطر خطر احتمالی برای انسان‌ها بسته شود.

۳-۱. حق دسترسی آزاد به اینترنت در حقوق بین‌الملل:

دسترسی به اینترنت، به جهت نقش اساسی که در زندگی امروز بشر برای تحقق حقوق و آزادی‌های فردی و عمومی و رفع نیازهای مختلف مادی و معنوی اشخاص دارد، ارتباط وثیقی با زندگی توأم با احترام و آزادی در دنیای کنونی پیدا کرده است. از این رو در سطح ملی، کشورهای زیادی، با وضع قانون خاص یا از طریق تفسیر قانون اساسی خود، از آن به عنوان حق شهروندی یا حق بنیادی یا حق اساسی حمایت کرده‌اند.

در سطح بین‌المللی نیز این حق یا از طریق تفسیر حقوق بین‌الملل موجود از جمله تفسیر ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در زمره حقوق بشر شناخته شده است یا از طریق رویه قضایی. قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل و شورای حقوق بشر و نیز گزارش‌های گزارشگران ویژه آزادی بیان نیز با عبارت‌های مختلف بر وجود این حق به عنوان یک حق فرعی و مشتق اذعان کرده‌اند و گاهی از آن به عنوان حق مستقل نیز نام برده‌اند.

محتوای حق دسترسی به اینترنت با توجه به ماهیت این فناوری تعیین شده است. اینترنت فناوری نوینی است، دارای ساختار غیر متمرکز و با کاربردهای گوناگون فردی و اجتماعی. از این رو بر ابعاد مختلف آن ممکن است قواعد متفاوتی قابل

گام به جلو، در سال ۲۰۰۹، با وضع قانون بازار ارتباطات و پیش‌بینی تعهدات اپراتورهای ارائه‌دهنده خدمات دسترسی جهانی و حقوق مصرف‌کنندگان به طور ضمنی حق دسترسی شهروندان به اینترنت را شناسایی کرد و مقرر نمود که سرعت ارتباط با اینترنت باید در سطح حداقل یک مگابیت در ثانیه (سطح پهن باند) فراهم باشد.

در فرانسه نیز حق دسترسی به اینترنت در زمره حقوق اساسی شناخته شده است. در سال ۲۰۰۹ شورای قانون اساسی فرانسه در مقام رسیدگی به مغایرت قانون مصوب کنگره این کشور با آزادی بیان و ارتباطات که به یک مرجع اداری اجازه می‌داد در صورت احراز نقض حقوق پدیدآورندگان در اینترنت، با ارسال اظهارهایی به شخص ناقض، دسترسی او به اینترنت را قطع کند، اعلام کرد که «دسترسی به خدمات ارتباطات برخلاف یک حق اساسی است که بدون حکم قضایی نمی‌توان به آن تعرض کرد» و «تصمیم به مسدودکردن دسترسی یک فرد به اینترنت باید پس از برقراری توازن دقیق میان منافع از سوی یک دادگاه صورت گیرد، نه از سوی یک مؤسسه. از این رو واگذاری چنین صلاحیتی به یک اداره خلاف قانون اساسی است.» دادگاه قانون اساسی کاستاریکا نیز در سپتامبر ۲۰۱۰ حکم داد تأخیر دولت در بازکردن بازار رقابتی برای ارتباطات از راه دور نقض حقوق اساسی متعددی همچون حق انتخاب مصرف‌کنندگان، حق دسترسی به فناوری‌های جدید اطلاعات و حق برابری و تعهد دولت به کاهش شکاف دیجیتال است. موج حمایت از دسترسی به اینترنت از سوی برخی دولت‌ها و اعمال تدابیر محدودکننده دسترسی به اینترنت از سوی دولت‌های دیگر دسترسی به اینترنت را به یک موضوع بین‌المللی مهم تبدیل کرد و ورود مراجع حقوق بشری و گزارشگران حقوق بشر به این موضوع را موجب شد.

۳-۲. حق دسترسی آزاد به اینترنت در حقوق داخلی: در نظام حقوقی ایران، تنها سندی که به حق دسترسی به فضای مجازی تصریح کرده است، منشور حقوق شهروندی است که یکی از عناوین منشور را به این حق اختصاص داده و در ماده ۳۳ تصریح کرده است که «حق شهروندان است که آزادانه و

بدون تبعیض از امکان دسترسی و برقراری ارتباط و کسب اطلاعات و دانش در فضای مجازی بهره‌مند شوند. این حق از جمله شامل احترام به تنوع فرهنگی، زبانی، سنت‌ها و باورهای مذهبی و مراعات موازین اخلاقی در فضای مجازی است. ایجاد هرگونه محدودیت (مانند فیلترینگ، پارازیت، کاهش سرعت یا قطعی شبکه) بدون مستند قانونی صریح ممنوع است.» در سایر مصوبات، عمدتاً از تضمین منافع و مزایای دسترسی به اینترنت برای شهروندان سخن به میان رفته است و از زبان حق‌محور استفاده نشده است. همچنین از محدودیت‌های قانون جرائم رایانه‌ای (مصوبه) برای استفاده‌کنندگان از ارتباطات رایانه‌ای و از تسری تضمین‌های قضایی مربوط به تعرض به حقوق اساسی به قلمرو برخی ارتباطات رایانه‌ای می‌توان استنباط کرد که قانون مذکور دسترسی به اینترنت را از حقوق شهروندان دانسته و با آن همانند سایر حقوق و آزادی‌های عمومی رفتار کرده است (۱۶).

همچنین در نظام حقوقی ایران، حمایت از دسترسی به اینترنت عمدتاً از منظر ارتباط این فناوری به ارائه خدمات مفید به مردم مورد توجه قرار گرفته است.

در نخستین مصوبه‌ای که در خصوص اینترنت با عنوان «مقررات و ضوابط شبکه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای» از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب شده است (۱۳۸۰ ش)، از «حق دسترسی آزاد مردم به اطلاعات و دانش» و «ایجاد حداکثر سهولت در ارائه خدمات اطلاع‌رسانی و اینترنت به عموم مردم» به عنوان اهداف این مصوبه نام برده شده است. همین عبارت در سایر مصوبات مرتبط با اینترنت، از جمله در آیین‌نامه ساماندهی فعالیت پایگاه‌های اطلاع‌رسانی (سایت‌های) اینترنتی ایرانی مصوب هیأت وزیران (۱۳۸۵ ش)، تکرار شده است و مصوبات مرتبط با دولت الکترونیک و سیاست‌های کلی اصلاح نظام اداری (بند ۵) ابلاغی ۱۳۸۹ (توسعه نظام اداری الکترونیک و فراهم‌آوردن الزامات آن به منظور ارائه مطلوب خدمات عمومی) تکرار شده است (۱۶).

با این وجود باید در نظر داشت که حق دسترسی به اینترنت در حقوق داخلی ما حقی نوپدید است که وضعیت آن از ابعاد

معنا و مفهوم و ماهیت و مصداق چندان واضح و روشن نیست. بنا بر آنچه گفته شد، تنها سندی که به حق دسترسی به فضای مجازی تصریح دارد، منشور حقوق شهروندی است که برخی از مواد آن به این حق اشاره دارد، بدین جهت سیاست تقنینی و قضایی ما در برخورد با آن رویه‌های مختلفی اتخاذ می‌کند (۱۵).

۳-۲-۱. قانون اساسی: علیرغم اینکه حق دسترسی آزاد به اینترنت به صراحت در قانون اساسی ما شناسایی نشده، اما می‌توان حق دسترسی به اطلاعات را در زمره این حقوق قرار داد و به این ترتیب آن را مورد واکاوری قرار داد:

وقتی بند ۹ اصل ۳ و اصول ۱۴ و ۲۳ قانون اساسی، علی‌الخصوص مقدمه آن بر وسایل ارتباط جمعی مانند رادیو و تلویزیون مناسب با نیاز اشاره می‌کند، در حالی که یکی از ویژگی‌های رادیو و تلویزیون مناسب به لحاظ مقتضیات زمان حق دسترسی آزادانه به اینترنت است که به صورت ضمنی آن را تفهیم می‌کند.

مضافاً اینکه بند ۹ اصل ۳ قانون اساسی، دولت جمهوری اسلامی را موظف بر به کارگیری رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی کرده و بند ۱۳ این پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه «مانند اسنپ و دیجی‌کالا و امثالهم در عصر جدید...» جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در مختلف را مقرر نموده است.

باید توجه داشت که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به حق دسترسی آزاد به اطلاعات تصریح نشده است، اما با تفسیر موسع اصل ۲۵ قانون اساسی، همین‌طور اصل ۸ این قانون، شاید بتوان تا حدی حق دسترسی به اطلاعات را تضمین نمود.

بند ۲ اصل سوم قانون اساسی به تکلیف دولت جمهوری اسلامی نسبت به بالابردن سطح آگاهی‌های عمومی، اصل ۶۸ به علنی‌بودن رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی در دادگاه‌های دادگستری و اصل ۶۹ به علنی‌بودن مذاکرات مجلس شورای اسلامی اشاره دارد (۱۷).

اصل ۲۰ قانون اساسی همه افراد ملت را بهره‌مند از حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام می‌داند و از آنجا که حق دسترسی آزاد به اطلاعات در ذیل هر کدام از این حقوق قابل تفسیر و تأویل است، می‌تواند در حدود قانون اساسی و شریعت اسلام مورد حمایت قرار گیرد. همچنین اصل ۲۵، عدم مخابره و نرساندن مصادیقی از اطلاعات را مگر به حکم قانون منع کرده است، از این رو این اصل قانون اساسی نیز به طور ضمنی اشاره به آزادی اطلاعات دارد.

اصل ۹ درباره حفظ آزادی و استقلال شهروندان است که فحوای آن حق دسترسی آزاد به اطلاعات را تأیید می‌کنند. هیچ مقامی حق ندارد به نام استقلال و تمامیت ارضی کشور، آزادی‌های مشروع را هرچند با وضع قوانین و مقررات سلب کند.

توجه به این کاستی از آن نظر ضروری است که بسیاری از نهادهای بین‌المللی و کشورها به رسمیت‌شناختن آزادی بیان را در قوانین اساسی خود، دلالتی آشکار در به رسمیت‌شناختن آزادی اطلاعات و حق دسترسی به اطلاعات دانسته‌اند. متأسفانه به جای استنباطی چنین، در کشور ما بیشتر به فراز دوم این دو اصل پرداخته شده و تفسیرهای محدودکننده از این اصل توجه شده است.»

۳-۲-۲. قوانین عادی: اولین قانون عادی که در جمهوری اسلامی ایران از آزادی اطلاعات حمایت کرده، قانون مطبوعات است. ماده ۵ این قانون «توجه به کسب و انتشار اخبار در عبارت زیر بیان شده است: کسب و انتشار اخبار داخلی و خارجی که به منظور افزایش آگاهی عمومی و حفظ مصالح جامعه باشد، با رعایت این قانون، حق قانونی مطبوعات است.» دومین قانون در حوزه آزادی اطلاعات، قانون «انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات» است «که به دنبال اختلاف مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان و ارجاع آن در سال ۱۳۸۸ به مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجمع در همان سال، قانون مذکور را تصویب کرد. این قانون، حق دسترسی شهروندان به

اطلاعات را تضمین کرده و نهادهای را با عنوان کمیسیون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات به وجود آورده است. این نخستین بار است که متنی قانونی در نظام حقوقی ایران، چنین حقی را به رسمیت شناخته و مقرراتی را در باب این حق مهم شهروندان، به منظومه مقررات حقوقی داخلی می‌افزاید، از این رو تردیدی نیست که نفس طرح این موضوع و تضمین آن در قانون لازم‌الاجرا به خودی خود شایسته و حرکتی در جهت تضمین و گسترش حقوق اساسی افراد به شمار می‌رود» (۱۸).

قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، برای اولین بار به طور رسمی آزادی اطلاعات و حق دسترسی به اطلاعات را به رسمیت می‌شناسد و آن را حق هر ایرانی می‌داند. در بند ۲ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات از عنوان آزادی اطلاعات به صراحت استفاده شده که این عنوان مبهم است و شاید این تصور را ایجاد کند که منظور از آن، آزادی دسترسی به همه انواع اطلاعات است، اما این تصور درست نیست، چراکه منظور از آزادی اطلاعات، آزادی دسترسی افراد جامعه به اطلاعات موجود در مؤسسات عمومی و برخی مؤسسات غیر عمومی است.

در واقع می‌توان گفت، حق دسترسی به اطلاعات نتیجه و محصول آزادی اطلاعات است. در قانون مذکور، فصل مجزایی با عنوان آیین دسترسی پیش‌بینی شده است که فرایند دسترسی به اطلاعات را بیان می‌دارد. ماده ۵ این قانون، مؤسسات عمومی را مکلف به ارائه اطلاعات موضوع این قانون، در حداقل زمان ممکن و بدون تبعیض می‌داند. بنابراین از این نظر می‌تواند قابل اعتنا باشد که با توجه به داشتن این اطلاعات می‌توانند وظیفه خودشان را در نقد نهادهای حکومتی و روندی که در آن حاکم است به درستی و به شکل بهتری اعمال کنند (۱۹).

شایان ذکر است بررسی حق حیاتی دسترسی به اطلاعات در نظام حقوقی ایران، علاوه بر قانون اساسی قوانین عادی، منشور حقوق شهروندی و نیز قانون انتشار و دسترسی آزاد اطلاعات در قوانین ذیل نیز به نحوی به آن اشاره شده است.

- قانون جرائم رایانه‌ای (مصوب ۱۳۸۸ ش.).

- مصوبه شورای عالی فضای مجازی با عنوان «سیاست‌ها و

اقدامات و ساماندهی پیام رسانه‌ای اجتماعی مصوب ۱۳۹۶».

- مقررات و ضوابط شبکه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای «مصوب

شورای عالی انقلاب فرهنگی».

- آیین‌نامه ساماندهی فعالیت پایگاه‌های اطلاع‌رسانی

(سایت‌های) اینترنتی مصوب سال ۱۳۸۵ هیأت وزیران.

- مصوبات مرتبط با دولت الکترونیک و سیاست‌های کلی

اصلاح نظام اداری ابلاغی سال ۱۳۸۹.

- ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲

منجمله اصولی هستند که صراحتاً دسترسی به اینترنت «به

عنوان یک حق» در سطح ملی در زمره حقوق اساسی یا

بنیادی یاد می‌کند و این حق را به رسمیت می‌شناسند.

«اما در عین حال به دلیل نبود انسجام لازم و فقدان برخی

مفاهیم کلیدی و مهم در این لایحه موجب شده تا دستیابی به

هدف واقعی و نهایی این لایحه با کاستی‌هایی مواجه شود»

(۲۰).

۳-۳-۳. منشور حقوق شهروندی: ماده ۳۳ منشور حقوق

شهروندی مبنی بر اینکه «حق شهروندان است که آزادانه و

بدون تبعیض از امکان دسترسی و برقراری ارتباط و کسب

اطلاعات و دانش در فضای مجازی بهره‌مند شوند. این حق از

جمله شامل احترام به تنوع فرهنگی، زبانی، سنت‌ها و باورهای

مذهبی و مراعات موازین اخلاقی در فضای مجازی است. ایجاد

هرگونه محدودیت (مانند فیلترینگ، پرازیت، کاهش سرعت یا

قطعی شبکه) بدون مستند قانونی صریح ممنوع است.» ماده

۳۴ «حق شهروندان است که از مزایای دولت الکترونیک و

تجارت الکترونیک، فرصت‌های آموزشی و توانمندسازی

کاربران به صورت غیر تبعیض‌آمیز برخوردار شوند» و ماده ۳۵

«حق شهروندان است که از امنیت سایبری و فناوری‌های

ارتباطی و اطلاع‌رسانی، حفاظت از داده‌های شخصی و حریم

خصوصی برخوردار باشند».

در واقع منشور حقوق شهروندی با هدف استیفا و ارتقای

حقوق شهروندی و به منظور تدوین «برنامه و خط مشی

دولت»، موضوع اصل ۱۳۴ قانون اساسی تنظیم شده و شامل مجموعه‌ای از حقوق شهروندی است که یا در منابع نظام حقوقی ایران شناسایی شده‌اند و یا دولت برای شناسایی، ایجاد، تحقق و اجرای آن‌ها از طریق اصلاح و توسعه نظام حقوقی و تدوین و پیگیری تصویب لوایح قانونی یا هرگونه تدبیر یا اقدام قانونی لازم، تلاش جدی و فراگیر خود را معمول خواهد داشت.

بند «چ» این منشور، به شناسایی حق دسترسی به اطلاعات اختصاص یافته است. مطابق ماده ۳۰ منشور حقوق شهروندی یک حق برای شهروند و یک تکلیف برای دستگاه‌ها و نهادها لحاظ شده است. حق شهروندان، دسترسی به اطلاعات عمومی موجود در مؤسسات عمومی و خصوصی ارائه‌دهنده خدمات عمومی است و تکلیف دستگاه‌ها و نهادها نیز انتشار مستمر اطلاعات غیر طبقه‌بندی شده و مورد نیاز جامعه است.

در ماده ۳۱ منشور حقوق شهروندی قسم دیگری از حق دسترسی به اطلاعات شناسایی شده است. این حق، با عنوان «حق دسترسی شهروندان به اطلاعات شخصی خود که توسط مؤسسات مذکور در ماده ۳۰ نگهداری می‌شود» شناسایی شده است. همچنین «منع افشای اطلاعات خصوصی اشخاص» مگر به موجب قانون یا با رضایت خود افراد.

بر اساس ماده ۳۱ منشور حقوق شهروندی، حق دسترسی آزاد به اطلاعات، یک حق نامحدود نیست و این حق دارای حدود و ثغوری است که به موجب قانون تعیین می‌شود. یکی از موارد تحدید حق مزبور، افشای اسناد و اطلاعاتی است که تعدی به حریم حقوق مردم تلقی می‌شود و ناقض حریم خصوصی شهروندان است. مقرر ذیل ماده ۳۱ ناظر بر تحدید حق دسترسی به اطلاعات با یکی از جنبه‌های حریم خصوصی افراد، یعنی اطلاعات خصوصی اشخاص است (۲۱).

۴. منافع حاصل از طرح صیانت از فضای مجازی: با نگاه دقیق به طرح صیانت از حقوق کاربران شاید بتوان گفت این طرح علاوه بر مضرات محدودکننده می‌تواند منافی را نیز

۴-۱. سخت‌شدن فرآیند فیلترینگ: با اینکه مخالفان طرح صیانت از کاربران، طرح را طرحی محدودکننده و در راستای فیلترینگ معرفی می‌کنند و برچسب طرح مخالف اینترنت را بر آن زده‌اند، اما واقعیت طرح نشان می‌دهد که اجرای آن، نه تنها در راستای فیلترینگ نیست، بلکه فیلترشدن شبکه‌های مجازی و پلتفرم‌ها را درگیر فرآیندی پرهزینه و طولانی می‌کند که باید از مراجع مختلفی بگذرد.

فیلترشدن تلگرام نشان داد پرمخاطب‌ترین پیام‌رسان کشور در سال‌های اخیر در حالی فیلتر شد که صرفاً یک بازپرس حکم به فیلترینگ این پیام‌رسان داده بود.

حال اینکه بر اساس طرح صیانت از حقوق کاربران در فضای مجازی، کارگروهی متشکل از ۱۸ عضو باید درباره محدودیت یک پیام‌رسان نظر دهند. با این حال رأی این کمیته اجرا نمی‌شود و به کارگروهی ۵ نفره ارجاع داده می‌شود که ۳ قاضی و ۲ کارشناس فضای مجازی در آن حضور خواهند داشت. این نیز مرحله آخر نیست و چنانچه این کارگروه حکم به فیلترینگ یک شبکه بدهند، شورایی دیگر که اعضای آن را دو قاضی و یک کارشناس فضای مجازی تشکیل می‌دهد تصمیم نهایی را در این باره خواهند گرفت و پس از این مرحله چنانچه اعتراضی وجود داشته باشد، دیوان عالی در این باره تعیین تکلیف خواهد کرد.

۴-۲. جلوی سوءاستفاده از کاربران گرفته می‌شود: فضای مجازی دربرگیرنده رابطه‌ای دوسویه بین کاربر و شرکت یا پلتفرمی است که خدمات خاصی را به کاربر ارائه می‌دهد. این رابطه چنانچه دارای قاعده و قانون نباشد، همواره به ضرر کاربر تمام می‌شود، چراکه طرف ارائه‌دهنده خدمات، هر لحظه که بخواهد می‌تواند خدمات خود را محدود یا متوقف کند، اما اهرمی برای دفاع در دست کاربر نیست. اطلاعاتی که شرکت‌های خدماتی و اپلیکیشن‌ها از کاربران دریافت می‌کنند، در کجا ذخیره می‌شود؟ چه کسی تعیین می‌کند که شرکت ارائه‌دهنده خدمات، چه اطلاعاتی را باید از کاربران دریافت

کند؟ اطلاعاتی که از کاربران جمع‌آوری می‌شود، به چه مصرفی می‌رسد؟ چه تضمینی وجود دارد که این اطلاعات مورد سوءاستفاده قرار نگیرد و از آن‌ها صیانت شود؟

در حال حاضر پاسخ همه این سؤالات مشخص نیست یا می‌توان گفت که نفع کاربران در آن نیست، اما قانون صیانت از حقوق کاربران پاسخ‌های مشخصی برای این سؤالات دارد و رابطه کاربر و ارائه‌دهنده خدمات را طوری تنظیم کرده که ضرری به یک طرف نرسد و جلوی سوءاستفاده از کاربران را می‌گیرد. به عنوان مثال چنانچه شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات اینترنتی، اطلاعات کاربران را نشت دهند تا ۱۰ درصد درآمد سالانه‌شان جریمه خواهند شد.

برای درک بیشتر اهمیت این موضوع باید به قوانین عجیب برخی از تاکسی‌های اینترنتی اشاره کرد که مثلاً چنانچه یک کاربر به صورت اشتباهی حساب خود را شارژ کند، آن مبلغ قابل استرداد نیست و کاربر می‌بایست آن را هزینه کند. در موردی دیگر، وقتی یک شهروند درخواست تاکسی اینترنتی می‌دهد، چنانچه مشخصات راننده‌ای که به آدرس آن فرد مراجعه می‌کند با اطلاعات راننده‌ای که در سامانه تاکسی اینترنتی ذکر شده است، همخوانی نداشته باشد، مسئولیت آن به عهده شرکت ارائه‌دهنده خدمات تاکسی اینترنتی نیست.

حال سؤال این است که چنین قوانینی را چه کسی وضع کرده است و حقوق کاربران در کجای این قوانین وجود دارد؟ نظارت بر این قانونگذاری‌های من‌درآوردی و رفتار بی‌قاعده با کاربران چگونه صورت می‌گیرد؟

۴-۳. ارائه خدمات بانکی بر بستر خدمات پایه کاربردی:

امکان ارائه خدمات بانکی یکی از مهم‌ترین ابزارهایی است که می‌تواند به توسعه خدمات پایه کاربردی داخلی، از جمله شبکه‌های اجتماعی کمک کند. در کشورهای مختلف نیز خدمات بانکی یکی از ابزارهای جذاب‌کردن خدمات پایه کاربردی نظیر شبکه‌های اجتماعی به شمار می‌آید، اما در کشور ما ارائه این خدمات به صورت انحصاری در اختیار شرکت‌هایی خاص است و ارائه آن‌ها در خدمات پایه کاربردی نیازمند صرف هزینه‌های بالای خرید امتیاز است.

در سال‌های گذشته نیز شورای عالی فضای مجازی در برخی مصوبات خود این مسأله را مورد تأکید قرار داد، اما از سوی بانک مرکزی مورد توجه قرار نگرفت. از این رو در طرح حمایت از کاربران و خدمات پایه کاربردی فضای بانک مرکزی موظف به ابلاغ مقررات ارائه این خدمات بر بستر خدمات پایه کاربردی داخلی است که می‌تواند ابزارهای وسیعی را در اختیار کاربران خدمات پایه کاربردی داخلی قرار دهد.

۴-۴. ارائه خدمات دولت الکترونیک بر بستر خدمات

پایه کاربردی: در حال حاضر ارائه خدمات دولت الکترونیک توسط بخش‌های مختلف حاکمیت، در بسترهای مستقل ارائه شده و کاربران را نیازمند مراجعات و نصب برنامه‌های مختلف می‌کند. تجمیع کلیه خدمات دولت الکترونیک در خدمات پایه کاربردی داخلی، فرصتی را برای کاربران فراهم می‌کند تا به صورت متمرکز امکان دریافت تمامی خدمات مورد نیاز خود را داشته باشند. در طرف مقابل نیز رفع این نیاز در بستر خدمات پایه کاربردی داخلی، موجب جذب کاربر و توسعه آن‌ها خواهد شد. از این رو طرح صیانت از حقوق کاربران دستگاه‌های اجرایی کشور را ملزم کرده است تا خدمات دولت الکترونیک را بر بستر خدمات پایه کاربردی داخلی نیز ارائه داده و از این طریق به توسعه آن‌ها کمک کنند.

۴-۵. حمایت از حریم خصوصی کاربران: در حال حاضر

بسیاری از کشورهای دنیا درباره حفاظت از حریم خصوصی کاربران دارای قوانین سختگیرانه‌ای بوده و بدون مصادات با ارائه‌دهندگان خدمات پایه کاربردی برخورد می‌کنند.

نظارت بر میزان دسترسی ارائه‌دهندگان خدمات به داده‌های کاربران، تعیین ضوابط و استانداردهای امنیتی برای حفاظت اطلاعات هویتی کاربران، تعیین ضوابط ذخیره‌سازی و پالایش داده‌های کاربران، ضوابط اشتراک‌گذاری داده‌های کاربران میان شرکت‌ها و لزوم کسب اجازه از کاربر در این زمینه، نحوه مواجهه با حساب‌های کاربری و محتوای کاربران بر اساس پروتکل‌ها و استانداردهای ابلاغی، وضع جرائم سنگین برای درز اطلاعات کاربران از سکوه‌های ارائه‌دهنده خدمات و بسیاری

از موارد اینچنینی در قوانین کشورها مورد توجه قرار گرفته است.

اما علیرغم توجه ویژه کشورهای دنیا به این حوزه، تاکنون در کشور ما هیچ قانونی در این زمینه به تصویب نرسیده است. تنها مصوبه شورای عالی در زمینه پیام‌رسان‌های اجتماعی نیز که در یکی از مواد به این مسأله پرداخته است، از سوی دستگاه‌های مسئول پیگیری نمی‌شود. «طرح حمایت از کاربران و خدمات پایه کاربردی فضای مجازی» بنا بر ضرورت‌سنجی این مسأله، در فصل تکالیف و تعهدات خدمات پایه کاربردی در احکام مختلفی حقوق پیش‌گفته را مد نظر قرار داده است. مورد قابل تأمل درباره نقض حریم خصوصی کاربران اینکه یکی از تاکسی‌های اینترنتی با ورود بدون اجازه و پنهانی از طریق اپلیکیشن به تلفن همراه راننده‌های خود، راننده‌هایی که اپلیکیشن تاکسی اینترنتی دیگری را نیز نصب کرده بودند را از ادامه همکاری بازمی‌دارد.

۴-۶. حق السهم تولیدکنندگان محتوا از ترافیک در نظر گرفته می‌شود: یکی از مهم‌ترین عوامل کمبود تولید محتوای بومی، فقدان مدل اقتصادی برای تولید محتوا در شبکه داخلی کشور است. در حال حاضر تولیدکنندگان محتوا، نه تنها درآمدی از محل انتشار محتوای خود ندارند، بلکه باید هزینه‌های بالایی را بابت خرید پهنای باند بپردازند. زنجیره ارزش صنعت محتوا در کشور سبب شده است تا کلیه درآمد حاصل از ترافیک به اپراتورها و ارائه‌دهندگان اینترنت برسد، در حالی که تولیدکننده محتوا هیچ سهمی از آن ندارد.

این در حالی است که در دیگر کشورها این درآمد به صورت منصفانه بین تمامی بازیگران در طول زنجیره ارزش تقسیم می‌شود و خود باعث افزایش کمی و کیفی تولید محتوا می‌شود. طی سال‌های گذشته تلاش‌های نافرمانی از سوی مرکز ملی فضای مجازی برای تحقق این مهم صورت گرفت، اما به دلیل عدم اهتمام مسئولین دولتی، از جمله کمیسیون تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی برای اجرایی کردن آن، به نتیجه‌ای نرسید.

طرح حمایت از کاربران و خدمات پایه کاربردی فضای مجازی در یکی از احکام حمایتی خود، کمیسیون تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی را موظف به تصویب دستورالعمل اجرایی پرداخت حق السهم تولیدکنندگان محتوا از محل ترافیک کرده است که می‌تواند کمک شایانی به رونق بازار محتوای بومی در خدمات پایه کاربردی داخلی نماید.

۴-۷. خدمات سالم‌سازی محتوا برای کاربران در رده‌های سنی نظیر کودک و نوجوان: فضای مجازی علیرغم ظرفیت‌های بالایی که در شکوفایی استعدادها و افزایش مهارت‌های فردی و اجتماعی برای کودکان و نوجوانان دارد، می‌تواند این قشر را در معرض آثار سوء فراوانی قرار دهد. زورگویی، اشاعه خشونت‌های مبتنی بر جنسیت کودکان، سوءاستفاده جنسی، استثمار آنلاین، مزاحمت‌های سایبری، آموزش ناهنجاری‌ها و... همگی از جمله مواردی هستند که باعث شده‌اند نهادهای قانونگذاری و علمی کشورها، اقدامات متعددی برای حفظ امنیت کودکان و نوجوانان در فضای مجازی انجام دهند.

طرح حمایت از کاربران و خدمات پایه کاربردی فضای مجازی حقوق این گروه را مورد توجه قرار داده است. کمیسیون عالی تنظیم مقررات موظف است ضوابط حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان و نهاد خانواده را در استفاده از خدمات پایه کاربردی مشخص و بر حسن اجرای آن نظارت کند. همچنین یکی از محل‌های هزینه‌کرد منابع صندوق حمایت از خدمات پایه کاربردی، فراهم‌سازی خدمات سالم به ویژه برای کودکان و نوجوانان است. در بخش تکالیف و تعهدات خدمات پایه کاربردی نیز، ارائه‌دهندگان خدمات پایه کاربردی را موظف به ارائه خدمات خانواده نظیر رده‌بندی سنی محتوا و ابزارهای کنترل والدینی کرده است.

به طور کلی عنوانی که می‌توان به عنوان مزیت‌های طرح برشمرد، از این قرار است: انجام اقدامات لازم به منظور قانونگذاری در خلأ قانونی فضای مجازی کشور، فراهم‌آوردن اجماع نخبگان در میان سیاستگذاران کشور در خصوص ضرورت قانونگذاری، تفکیک سیاستگذاری و راهبردی تنظیم

مقررات از عملیاتی‌سازی آن در قالب نهاد متولی - کمیسیون عالی، تعیین درگاه ملی صدور شناسنامه کسب و کار به عنوان مرجع واحد در صدور مجوزها و نظارت‌ها بر کسب و کارهای اینترنتی، تعیین تنظیم‌گران بخشی به عنوان تنها مرجع ذی‌صلاح برای تعامل با بخش خصوصی و ابلاغ اقتضائات دستگاه‌های اجرایی مختلف صرفاً از طریق تنظیم‌گر بخشی به بخش خصوصی، موظف‌شدن تنظیم‌گران بخشی به تصویب فهرست تخلفات و جرائم متناظر با آن‌ها در ابتدای هر سال توسط کمیسیون عالی و سوق‌داده‌شدن کسب و کارها به سمت نظام خودکنترلی و نظارت پسینی بر آن‌ها از این مسیر، ایجاد شفافیت و وحدت‌رویه در دستورالعمل‌های تنظیم‌گران بخشی از طریق انتشار آن‌ها در روزنامه رسمی و ملاک قرارگرفتن این ضوابط منتشره در روزنامه رسمی، توجه و تلاش برای تمهید ترتیب آثار قانونی به مصوبات شورای عالی فضای مجازی، توجه به حفاظت از داده‌های کاربران به عنوان یک مسأله ملی، نگاه حمایتی نسبت به پلتفرم‌های داخلی و تلاش برای افزایش توان رقابت داخلی در فضای مجازی، مرتفع‌شدن برخی ایرادها و افزایش انسجام درونی متن (۲۲).

از این رو طرح صیانت از فضای مجازی در کنار معایبی که می‌تواند دربر داشته باشید، چنانچه درست و اصولی و با بهره‌مندی از نظرات صاحب‌نظران این حیطه، تدوین و بررسی شود، می‌تواند بنا به آنچه که گفته شد، مثمر ثمر نیز واقع گردد.

نتیجه‌گیری

زندگی انسان سراسر مملو از قوانین و مقرراتی است که روابط و کانال‌های ارتباطی را تنظیم، کنترل و مدیریت می‌نمایند. اگر این قوانین نباشند، آنچه باقی می‌ماند بهره‌ای جز ناهنجاری و بی‌نظمی، اختلال و آشوب، هرج و مرج و بی‌سامانی نخواهد داشت. به موازات آنچه در جهان واقع رخ می‌دهد، فضای مجازی به عنوان زاده توسعه فناوری‌های نوین ارتباطی، خالق دهکده‌ای جهانی بوده است که جهانیان را در کسری از ثانیه به هم مرتبط می‌سازد. آنچه در فضای مجازی

نیازمند توجه قانونگذاران است، دگرگون‌کردن روش‌هایی است که در کنار گسترش جریان آزاد اطلاعات، تناقض‌های قانونی در حقوق اساسی شهروندان را کاهش دهد و از تضییع حقوقشان جلوگیری کند. یکی از حقوق شهروندی که در منشور حقوق شهروندی و قانون اساسی آن بدان پرداخته شده است، حق دسترسی آزاد به اطلاعات و اینترنت است. واکاوی مفاهیم مرتبط با حقوق شهروندی، از جمله حریم خصوصی و حفاظت از فضای مجازی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نشان داد که اشاره صریحی به مسأله حریم خصوصی در این قانون نشده است، اما ذیل نام‌هایی همانند حریم خلوت و تنهایی، حریم اطلاعات، مکان، ارتباطات و حریم جسمانی اشاره‌هایی به این مسأله شده است. تحلیل اصول ۱۹، ۲۰، ۲۸-۲۲، ۳۰، ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۴۰-۳۸ گویای آن است که به صورت ضمنی به امور مرتبط با حریم خصوصی پرداخته شده است، اما نمی‌توان از اصل مشخصی به عنوان اصل حریم خصوصی نام برد. آزادی اطلاعات در اصل ۲۴ مورد اشاره ضمنی قرار گرفته و در اصل ۲۵، بدون اشاره به آزادی اطلاعات، از حریم خصوصی ارتباطات در پرکاربردترین ابزارهای ارتباطی حمایت شده است.

در نتیجه با وجود اینکه حقوق شهروندی به عنوان یک مفهوم شناسنامه‌دار، سابقه چندانی در ادبیات حقوقی ما ندارد، با این وجود نمی‌توان منکر اهمیت بی‌حد و حصر این موضوع شد.

اگرچه همانطور که بیان گردید مصادیق این حقوق وجود داشته‌اند و آشکارترین آن‌ها قوانین مرتبط با احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق بنیادین فردی می‌باشد، اما آن‌گونه که باید به صراحت این حق در قانون اساسی بیان نشده است و در صورت بازنگری در قانون اساسی نیز نباید مغفول بماند.

در منشور حقوق شهروندی تأکیداً به حقوق شهروندان پرداخته شده و با نگاه به این منشور نیز می‌توان گفت که میان مؤلفه‌های طرح صیانت و این منشور انطباقی اندکی وجود دارد، چراکه با نبود زیرساخت‌های مناسب بیم آن می‌رود که نه‌تنها اهداف طرح صیانت از فضای مجازی محقق

نگردد، بلکه حقوق شهروندان نیز پایمال گردد. امید آن می‌رود تا با بهره‌گیری از دانش اساتید و متخصصین حوزه فناوری و حقوق شهروندی ابتدا این طرح به صورت کارشناسی شده مجدد بررسی گردد و در صورت اجماع نظر خبرگان حوزه‌های یاد شده و فراهم نمودن زیرساخت‌های مربوطه، به صورت آزمایشی اجرا و پس از آن به صورت عام مطرح و اجرایی گردد.

مشارکت نویسندگان

زینب منصوری نیا: ارائه ایده و موضوع، نگارش مقاله، جمع‌آوری مطالب.

محمدحسین جعفری: نظارت و ارزیابی مقاله، نگارش مقاله. نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

References

1. Rezaei Bayander MR. Examining the role of the media in teaching citizenship skills and civic behaviors. *Communication Research*. 2003; 33: 131-142. [Persian]
2. Akbari AA, Khosravi Mervoul M. The place of civil rights in the cyberspace protection plan. *Journal of Legal Studies*. 2022; 6(28): 57-77. [Persian]
3. Sanaei M. Individual Liberty and the Power of the State: A Discussion of the Political and Social Ideas of Thomas Hobbes, John Locke and John Stuart Mill, with Selected Translations of Their writings. Tehran: Hermes Publications; 2006. p.12. [Persian]
4. Mendel T. The people's right to know. Translated by Ansari B. *Legal Information*. 2022; 1: 34-39. [Persian]
5. Sedqi A. Evaluation of the Law on the Publication and Free Access to Information in Iran in Light of Freedom of Information Principles. Master's Degree. Allameh Tabatabaei University - Faculty of Law and Political Science; 2013. p.12. [Persian]
6. Verhoeven A. The Right to Information: A Fundamental Right?. Lecture at EIPA (Maastricht). 2000; 1-17.
7. Zarei MH. Good governance, sovereignty and government of Iran. *Legal Research Quarterly*. 2004; 7(40): 155-202. [Persian]
8. Sefaqat QA. Features of the Jurisprudence of the Prophet's Household and its Role in Identifying and Supporting Civil Rights. *Marifat Magazine*. 2010; 19(7): 15-30. [Persian]
9. Ameli SR. Globalizations: Concepts and Theories. *Arghanun*. 2004; 10(24): 1-58. [Persian]
10. Faulks K. New citizen-oriented approaches. Translated by Emami MH. Tehran: Shahr Publications; 2009. p.21, 23-24, 28, 36-37, 47. [Persian]
11. Hafeznia MR. An Introduction to the Research Method in Humanities. Tehran: Samt Publications; 2006. p.174. [Persian]
12. Basharieh H. Globalization and National Sovereignty. *Aban Magazine*. 2001; 1(4). [Persian]
13. Fasihi A. From monocultural citizenship to multicultural citizenship: The evolution of the concept of citizenship in the liberal tradition. *Quarterly Journal of Politics*. 2016; 3(11): 67-78. [Persian]
14. Barbalet GM. Citizenship Rights. *Fundamental Rights Quarterly*. 2004; 2(2): 129-149. [Persian]
15. Akbari Motlaq M, Vahedi M. Rights and responsibilities of users in cyberspace based on the Charter of Citizens' Rights. Ardabil: The 2nd National Conference on Law and Political Science; 2019. p.74-75. [Persian]
16. Ansari B. Right of Access the Internet: Bases and Content. *The Judiciarys Law Journal*. 2020; 84(112): 51-79. [Persian]
17. Abbasi Lahiji B. Human Rights and Fundamental Freedoms (Three Generations of Human Rights in Islam, Iran and International and Regional Documents. Tehran: Dadgostar; 2016. p.160. [Persian]
18. Vizhe MR, Taheri AS. Contribution to the Publication and Free Access to Information with Regard to the General Principles of Access to Information. *Public Law Research*. 2011; 13(35): 237-268. [Persian]
19. Asadzadeh A, Seyedmousavi M. Law on the Publication and Free Access to Information. Sari: The first international conference on humanities with a native-Islamic approach and emphasis on new research; 2015. p.3. [Persian]
20. Hadavand M, Nejabatkhah M, Aqaei M, Shams E, Hemmati M, Yazdani H, et al. Administrative procedures in administrative law (comparative study). Tehran: Khorsandi Publications; 2010. p.703. [Persian]
21. Hashemi SM, Mohseni V, Javid MJ, Abbasi B. Legal Analysis and Evaluation of Guaranteeing Citizenship Rights by Filtering. *Judicial Law Views Quarterly (Law Views)*. 2021; 26(94): 97-118.
22. Hosseini Rad A. The Impact of Modern Technologies on Privacy. *Bi-Quarterly Scientific-Specialized Journal of Modern Technologies*. 2019; 35. [Persian]